

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نسترن نصرتی

۰۱ اپریل ۲۰۲۱

چرا "الکاظمی" به یک باره

دستور اجرائی شدن قرارداد با چین را صادر کرد؟

به اساس گزارشات، ماه سنبله سال ۹۸ بود که عادل عبدالمهدی نخست وزیر پیشین عراق قرارداد نفتی بزرگی با جمهوری خلق چین امضاء کرد؛ قراردادی که ظاهراً حکم پایان عمر دولتش نیز بود و گویا او با امضای آن حکم، استعفاي چندی بعد خود را پیشاپیش امضاء کرد اما چه عامل یا عواملی عبدالمهدی را به عقب نشینی از این قرارداد و حتی پست نخست وزیری وادار کرد و حالا چه عاملی مصطفی الکاظمی، نخست وزیر موقت دولت انتقالی را در نزدیکی انتخابات زودهنگام به پیش کشیدن و جلو آمدن برای اجرای قرارداد مزبور وسوسه کرده است؟ آن هم بی مقدمه و غیر منتظره؟

اوضاع آشفته عراق و رد پای امریکا

جمهوری خلق چین در سایه اوضاع سیاسی بی ثبات عراق و عدم سرمایه گذاری کشورهای خارجی به دلایل مختلف، با طرح «یک کمربند – یک راه» سعی داشت با چند کشور آسیای غربی قراردادهای همکاری امضاء کند؛ قرارداد با عراق جدای از این که بخش هرچند کمی از بدهی های سر به فلک کشیده خارجی و داخلی بغداد را پوشش می داد، برای چین نیز که اولین خریدار نفت عراق است، مزایای خوبی به همراه داشت. کارشناسان دلایل گوناگونی برای تعلیق این قرارداد توسط عراق عنوان کرده اند اما آنچه بیشتر در معرض تردید و تشکیک قرار گرفت، دخالت دولت وقت امریکا بود که جنگ اقتصادی همه جانبه با رقیبش (چین) را از مدت ها قبل کلید زده بود و حالا مانع اصلی عملی شدن قرارداد شناخته می شد، آن هم زمانی که «بازگشت کورسوی امید برای دولت و ملت عراق به منظور برداشته شدن قسمت هرچند کمی از فشارها»، به بازیچه رقابت تجاری واشنگتن تبدیل شده بود.

در عراق که طی چند سال اخیر جزو کشورهای دارای بیشترین فساد سیستماتیک بوده و راه حل در دسترس و کوتاه مدتی نیز برای درمان آن وجود نداشته است، زیرساخت ها با مشکلات اساسی روبه رو هستند و قراردادهای منعقد شده با شرکت های مختلف خارجی مانند «زیمنس المان» هم نه با یک حرکت خودکار بلکه با خم ابروی امریکائی ها لغو شد تا معضلات زیرساختی کشور که طبق گفته بسیاری از کارشناسان عراق مسبب اصلی اش امریکاست، همچنان به قوت خود باقی بماند.

مشکلات اقتصادی و زیرساختی عراق با تحریم های دهه نود و حمله های امریکا در جنگ خلیج فارس و نهایتاً در سال ۲۰۰۳ آغاز شد و سرانجام در سال ۲۰۲۰ با بحران همه گیری کرونا به اوج خود رسید به طوری که دولت عراق برای چندین ماه حتی در پرداخت حقوق کارمندان نیز ناتوان شد.

شاید تعلیق قرارداد با چین به دلیل قیمت نازل نفت در زمان انعقاد آن، در برهه کنونی فقط در این زمینه خاص به نفع عراق باشد اما با وجود مفادی که در کلیت قرارداد مانند ساخت زیربنای کشور و معامله چندساله نفت وجود داشت امضاء، اجراء و ثمرات آن می توانست به خاموش شدن یا دستکم تعدیل بخشی از اعتراضات مردم عراق بینجامد و حیات سیاسی دولت عبدالمهدی را هم برای او به ارمغان آورد.

کشورهای کوچک اما دسیسه گران بزرگ حاشیه خلیج فارس

انعقاد قراردادی بزرگ به حجم ۵۰۰ میلیارد دلار با کشوری مثل چین و آنهم با موقعیت عراق، یعنی کساد شدن بازار داغ نفت بین کشورهای حاشیه خلیج فارس. فضای سیاسی عراق که آن روزها آستن هر اتفاقی بود با شعله ور شدن اعتراضات بار دیگر متشنج شد؛ حالا با گذشت قریب به دو سال از اتفاقات پیوسته ای که در آن زمان افتاد رفته رفته معلوم می شود که در این میان چه کسانی بیشتر بر شعله های آن آتش نفت می ریختند.

افشای فعالیت جاسوسی در عراق مخصوصاً شهرهای مذهبی و همچنین حضور افراد آموزش دیده در سفارتخانه های خارجی از جمله امارات که رسماً از زبان مسؤولان عراقی فاش شد، می تواند خود روشنگر بخشی از عوامل تعلیق قرارداد نفتی با چین باشد.

سایه شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس به قدری بر پشت پرده توافقات امضاء شده و امضاء نشده سنگین است که این مسأله در سفر وزیر خارجه قطر به عراق و مصاحبه اش با یکی از شبکه های این کشور نیز مطرح شد؛ جایی که مجری با یادآوری این که کشورهای حاشیه خلیج فارس از معضلات سیاسی عراق سود می برند، از «موضع کشورهای خلیج فارس نسبت به برون رفت عراق از بحران» پرسید که البته وزیر قطری از تمایل کشورش به امنیت عراق برای «تأمین امنیت تجارت منطقه» سخن گفت.

البته بودند رسانه هایی که مثل همیشه کوچک و بزرگ اتفاقات و ناکارآمدی ها را به ایران مرتبط می دانستند اما اکنون با کنار رفتن پرده ها و افشای برخی اسناد معلوم شده است که چه کسانی بر سر قرارداد مذکور سنگ اندازی می کردند.

رسانه های مذکور اکنون دقیقاً در انعقاد سند همکاری چین با ایران نیز همان سیاستی را در پیش گرفته اند که سال گذشته برای عراق از آن حربه استفاده کردند؛ حتی برخی رسانه های دولتی عراق نیز آغشته به رنگ خبری خاصی شده اند و باز این روزها در ایران هم چرخش فاز رسانه ئی، به استفاده از ترفندهای استفاده شده در سال گذشته برای عراق معطوف شده است؛ یعنی به کارگیری «یک شیوه» بدون اندکی تفاوت در تهران و بغداد آنهم دقیقاً نسبت به یک مسأله مشترک فقط با فاصله یک سال!

الکاظمی و چین؟

در حالی که بیشتر ناظران معتقدند دولت مصطفی الکاظمی به دنبال ایجاد موازنه و معادلات خاص خودش در سیاست خارجی عراق است تا با آن به بلندپروازی هایش برسد، پس از گشت و گذار وزرای دولت الکاظمی و چرخش های گاه

و بی گاهش به کشورهای منطقه که عموماً خلاف سیره نخست وزیران سابق عراق است حالا او به یک باره متمایل به شرق دور شده است.

فضای سیاسی و اقتصادی عراق که این روزها با نام امریکا، عربستان، قطر، امارات، اردن و مصر گره خورده است حالا نام جدیدی بر صفحه خود می بیند؛ چین!

امضای نهائی سند همکاری ایران و چین، ناگهان الکاظمی را متوجه واکنش صاحب نظران کرد.

رسانه های منطقه عموماً همکاری ایران و چین را به منزله فصل جدیدی در روابط اقتصادی و سیاسی منطقه قلمداد و آن را با فعالیت های سایر دولت ها از جمله عراق که اخیراً در تکاپوی اجلاس سه جانبه با اردن و مصر است، مقایسه کرده اند.

فعالان و کارشناسان عراق، میل به تعامل با اردن و مصر را به دلیل مشکلات گریبان گیر این دو کشور، میلی غلط دانستند که الکاظمی را به خطای محاسباتی دچار کرده است.

قاهره که اخیراً به خاطر ماجرای انسداد کانال سوئز، کانون توجه قاب دوربین ها شده هنوز کاملاً از پس این مشکل برنیامده و اردن نیز به دلیل بحران همه گیری کرونا دچار کاهش گردشگر و درآمد ارزی مربوط به آن شده و مشکلات معیشتی مانند احتکار و گرانی اجناس از دیگر مشکلات سر راهش است.

دردسره های حقوق بشری ریاض و جنگ ۷ ساله یمن نیز نیازی به توصیف و تفصیل ندارد؛ همین مسایل باعث شده تا هجمه انتقادات به دولت الکاظمی بیشتر شود.

واکنش ها به اجلاس سه جانبه با مصر و اردن سبب شد منتقدان به مقایسه اقدامات خارجی بغداد با اقدامات تهران بپردازند و حتی کار به تمسخر تمایل بغداد به همکاری با این دو کشور کشیده شد. برخی فعالان به واردات مواد غذایی از اردن مانند «آبنبات چوبی» اشاره داشتند و عده ای دیگر نسبت به منافع اندک هزینه و سرمایه گذاری روی این اجلاس واکنش نشان دادند.

درحالی که مراودات اقتصادی عراق با اردن در روابط دو و سه جانبه، برای ایجاد خط لوله نفت و انتقال برق عنوان شده است، اما ناگفته پیداست که با شرایط نچندان پایدار اردن و وجود مشتری دست به نقدی مانند چین، طبیعتاً از دیدگاه کارشناسان عراقی، اردن گزینه خوبی برای گرایش در مقابل «چین» نیست.

شاید الکاظمی که انتقادات مختلفی را شاهد بود که با این ماجرا بیشتر هم شد و نیز واکنش مثبت رسانه های مختلف منطقه به نهائی شدن سند بین ایران و چین و در ادامه گرائیدن کشوری مثل بحرین به این کارزار را دیده، حالا فرمان را چرخانده و بی توجه به همان رسانه هائی که تا پارسال به قرارداد نفتی با چین می تاختند، نسبت به تصاحب دستاوردی برای دولتش وسوسه شده است.

البته در این بین، پیرامون بحث رسانه باید دید که آیا رسانه های مخالف قرارداد مزبور که آن را خلاف منافع ملی عراق می دانستند، حالا با توجه به چرخش الکاظمی تغییر سیاست می دهند یا این «الکاظمی» است که میان بحث های سیاسی و رسانه ئی با انتقاد شدید از غرب مواجه می شود؟

الکاظمی که حالا به این قرارداد فکر می کند، با صرف نظر از خط خبری مخالف، با واکنش مثبتی از اکثریت رسانه های منطقه ئی و حتی مصری ها روبه رو شده است؛ شاید انتظار الکاظمی برای به نظاره نشستن بازتاب های ساخت جاده ابریشم توسط تهران و ارزیابی آن، به نتیجه ای برای پر کردن کارنامه دولتش ختم شود.